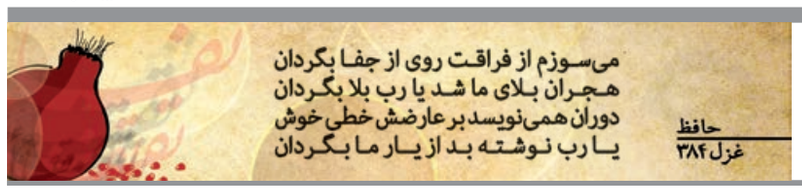

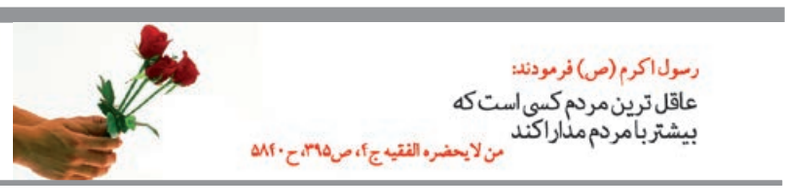

دنیا به روایت تصویر

رویترز- یک قطعه یخ جداشده از یخچال های طبیعی در پارک ملی، شیلی

فرانس پرس- تقاطع خیابان های برفی مسکو، روسیه

گاردین- مردان جوان در لباس های سنتی هندی، در انتظار اجرای مراسم در جشنواره ای بین المللی

آیات نور

آگاهی از تاریخ انسان را بیمه می کند

حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در تفسیر آیات ۲۸ تا ۳۰ سوره «یس» درباره استهزای فرستادگان خدا و قهر خدا از بندگان نافرمانش با این مضمون که: «و ما بعد از شهادت آن مرد خدا، هیچ لشکری از آسمان برای هلاک قوم او نفرستادیم و اصولا سنّت ما قبل از این هم چنین نبود (که برای عذاب اهل زمین سپاهی از آسمان بفرستیم). تنها یک صیحه آسمانی، صیحه‌ای تکان دهنده و مرگبار که ناگهان همگی خاموش شدند. ای دریغ بر بندگان! که هیچ پیامبری بر آنان نیامد مگر آن که او را به استهزا گرفتند.» نکاتی را مطرح کرده اند که می خوانید:
۱-قهر الهی ناگهانی است، غافل نباشیم. ۲-گاهی به سبب ریختن خون یک مؤمن بی گناه و یک مجاهد و مبلّغ دینی، مردم یک منطقه نابود می‌شوند. ۳-انسانی که با موضع گیری حق، می‌تواند فریادگر حق باشد و با پیروی از انبیا سعادتمند شود، چگونه با لجاجت خود را مورد قهر قرار می‌دهد؟ ۴-لجاجت، کور کردن زمینه‌های رشد و قرب، و مقدمه حسرت‌هاست. ۵-آگاهی از حوادث تلخ تاریخ، انسان را بیمه می‌کند. ۶-تمام انبیا مورد استهزا قرار گرفتند. پس مبلّغان دینی در انتظار زخم زبان دیگران باشند. **تفسیر نور**

پند نیکان

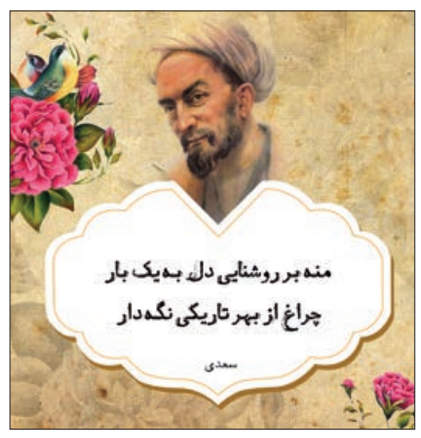

بریده کتاب

زنده باش و زندگی کن!

توفکر می کنی چرا برای من شنیدن مشکلات دیگران تا این حد مهم است؟ مگر من به حد کافی دردو رنج ندارم؟ مگر من به درد خودم گرفتار نیستم؟ البته که به درد خودم گرفتارم. اما سهیم شدن با دیگران من را مجبور می کند احساس کنم که زنده هستم، نه اتومبیل یا خانه‌ام. نه قیافه‌ام در آینه. وقتی برای کسی وقت می گذارم، وقتی مجبورش می کنم پس از حس کردن غم و غصه‌اش بخندد، سلامتی فوق العاده‌ای را احساس می کنم.
برگرفته از کتاب «سه شنبه ها با موری» اثر میچ آلبوم

داستانک

سهم برادران

دو برادر با هم در مزرعه کار می کردند. برادر بزرگ تر ازدواج کرده بود و خانواده بزرگی داشت و برادر کوچک مجرد بود. شب که می شد دو برادر همه چیز از جمله محصول و سود را با هم نصف می کردند. یک روز برادر مجرد با خودش فکر کرد و گفت: درست نیست که ما همه چیز را نصف کنیم. من مجرد هستم و خرجی ندارم ولی او خانواده بزرگی را اداره می کند. شب که شد یک کیسه پر از گندم را برداشت و مخفیانه به انبار برادر بزرگ تر برد و روی محصول او ریخت. در همین حال برادر بزرگ با خودش فکر کرد و گفت: درست نیست که ما همه چیز را نصف کنیم. من سر و سامان گرفته ام ولی او هنوز ازدواج نکرده است و باید آینده اش تأمین شود. بنابراین شب که شد کیسه ای پر از گندم برداشت و مخفیانه به انبار برادر کوچکش برد و روی محصول او ریخت.
سال ها گذشت و هر دو برادر متحیر بودند که چرا ذخیره گندم شان همیشه با یکدیگر مساوی است. تا آن که در یک شب تاریک دو برادر در راه انبارها به یکدیگر برخوردند. آن ها مدتی به هم خیره شدند سپس بی آن که سخنی بر لب بیاورند کیسه های شان را زمین گذاشتند و یکدیگر را در آغوش گرفتند. **منبع: سایت مردان پارس**

فتونکته

اندکی صبر

دلتنگی!

این پاییز هم
دگر شور دلتنگی را درآورده است
فقط
صدای
خش خش برگ‌های زیر پایت
را پیغام می‌آورد

پونه‌مهرانی

دور دنیا

ساحلی که بعد از ۱۲ سال دوباره پدیدار شد!

آدیتی سنترال- ساحل ایرلندی واقع در شش کیلومتری خلیج اشلم که ۱۲ سال پیش ناپدید شده بود، ناگهان دوباره پدیدار شد. در تمام این ۱۲ سال این ساحل ناپدید شده و دریا به جلو پیشروی کرده بود. اما ناگهان یک شبه دریا پنج کیلومتر عقب تر رفته و این ساحل زیبا دوباره پدیدار شده است. نکته جالب ماجرا این جاست که این ساحل فقط از نیمه های شب تا نزدیکی های صبح پدیدار می شود و دوباره زیر آب می رود.

خرس قهوه ای مسلح

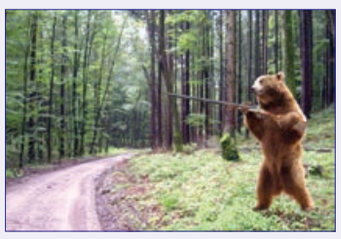

آدیتی سنترال- تصورش را بکنید در سرمای استخوان سوز سیبری ناگهان با خرس قهوه ای غول پیکری روبه رو شوید که اسلحه به دست دارد! این دقیقا اتفاقی است که چند روز پیش در این منطقه رخ داده است. یک خرس قهوه ای به یک شکارچی که برای در امان ماندن از سرمای شدید، در کلبه ای اتراق کرده بود حمله کرد. هر چند این شکارچی توانست فرار کند اما اسلحه اش در دست خرس جا ماند! تاکنون چندین صدای شلیک در این منطقه شنیده شده که مربوط به همان اسلحه ای است که دست خرس جا مانده است!

اختراع دو دست اضافه برای انسان

آدیتی سنترال- «بیونیک لیمپس» نام یک شرکت آلمانی تولید روبات است که از سال ۱۹۹۳ روی استفاده از دو دست اضافه برای انسان کار می کند. این شرکت ادعا می کند که انسان با چهار دست خیلی بهتر و با کارایی زیادتری می تواند کار کند! این دو دست اضافه روی دست ها نصب می شوند و با یک فناوری پیشرفته درست مانند ماهیچه های دست انسان، از مغز نورون های عصبی را دریافت می کنند و در کنترل مغز هستند!

سه نقطه

لواشک فقط این... با این ۱۰ متر لواشک یک سال رو میشه طی کرد!
Like Comment

- پژمان جمشیدی فوتبالیست شد، بازیگر شد، خلبان هم داره می شه. احتمالا برنامه بعدیش هم پزشکیه! تمام اون چیزهایی که اگه از یک بچه بپرسی بزرگ بشی می خوای چیکاره بشی، میگه!
- تنها چیزی که از میس کال مامانم ترسناک تره، دو تا میس کال مامانمه!
- میگن صبح نیم ساعت زودتر پاشو ورزش کن، نمی دونن من شب‌ها با جوراب می‌خوابم که صبح ها ۲ دقیقه بیشتر بخوابم!
- شما یادتون نمیاد، یک زمانی این ماشین خطی ها فامیل یا دوست شون ژاپن بود و براشون کارت تلفن هاشون رو می آورد، اینام ردیف می چیدن جلوی داشبورد، خیلی کلاس داشت!
- ۹۵ درصد اونایی که میگن از سوسک چندش مون می شه، ۱۰۰ درصد ازش می ترسن!
- فکر کنم سایز کفش سیندرلا ۴۷،۴۸ بوده، وگرنه سایز ۳۳،۳۴ زیاد داریم!
- ولی به جز «جدید الورود» و «بعید الخروج»، یه نوع دانشجوی دیگه هم داریم به نام «سریع الخروج»، این جوری که سه ترم اول مشروط می شن و بعد هم اخراج!

Like Comment

پاسخ مسابقه این کیه؟

ناتاشا و خوش شانسی همسر برنده!

سلام. این هم کاریکاتور کامل شخصیت مسابقه شماره ۶۰ «این کیه؟» خانم رویا نونهالی، بازیگر توانمند تئاتر، سینما و تلویزیون کشورمون. ایشون رو به تازگی در نقش «عمه بلقیس» در سریال «شهرزاد» دیدیم. اگه سن تون قد بده، ۱۵ سال پیش هم در سریال «خواب و بیدار» با نقش «ناتاشا» می شناسیم شون. با اون همه راهنمایی که کرده بودیم، طبیعی بود ۲۶۴ نفر متوجه پاسخ صحیح بشن!
برنده این مسابقه، آقای «عباس خجسته مقدم» ۴۳ ساله، کارمند از مشهد هستن که با زرنگی این بار با شماره همسرشون تو مسابقه شرکت کرده بودن. این خواننده مون تقریبا توی همه مسابقه های ما شرکت کردن که این بار قرعه به نام شون افتاد و برنده شدن. بهشون تبریک می گیم. البته به خانوم شون، چون شانس ایشون بود! چهارشنبه همین هفته و با مسابقه بعدی، عکس و کاریکاتورشون رو می تونید همین جا ببینید. خوش باشید.

قاب ایران

استیل، تالابی با درختان شناور

تالاب «استیل» در هفت کیلومتری شهر آستارا و در حاشیه جاده رشت به آستارا قرار دارد. از سال ۱۳۸۴ به عنوان یکی از پنج منطقه نمونه گردشگری استان گیلان شناخته شده است. تالاب استیل با مساحت ۱۳۸ هکتار در کنار هتل بین المللی واقع شده و فضای سبز اطراف آن موقعیت مناسبی را برای اسکان مسافران فراهم آورده است. اهمیت اکوتوریستی این تالاب به دلیل نزدیکی به جاده، تنوع چشم اندازهای طبیعی مانند کوهستان، جنگل، مزارع و کشتزارهای اطراف دو چندان می‌شود. درختان این تالاب به علت این که ریشه آن ها در آب قرار دارد، همواره در پهنای تالاب جا به جا می‌شوند و به همین علت، تالاب استیل به تالاب «درختان شناور» هم معروف است. اگر در این فصل نیمه سرد و ابری، قصد دیدن این تالاب زیبا را دارید، گشت و گذار و خرید در بازارهای آستارا را نیز به شما پیشنهاد می کنیم.

عکس و متن: امین جوشش

از اون لحاظ

لطفا مزاحم مطالعه تلگرامی ما نشوید

همان طور که احتمالا از طریق استوری‌های اینستاگرام با خبر شده‌اید، طرح پاییزه فروش کتاب در کتاب فروشی‌ها در حال برگزاری است و البته همزمان با آن، نمایشگاه بین‌المللی کتاب مشهد هم آغاز شده و قرار است توی این چند روز همه هزینه‌ها برای کتاب شود. در همین زمینه من بسیار خوش‌بینم که بار دیگر مردم ما با خالی کردن قفسه کتاب فروشی‌ها نشان دهند کتاب خوانی نزد ایرانیان است و بس! و نشان دهند ما اگر بخواهیم می‌توانیم غرش توفان الکساندر دوما را هم یک روزه تمامش کنیم. اصلا خود من یک بار یک نفس شروع کرده بودم به خواندن رمان کلیدر و به جلد ششم رسیده بودم که خود شخصیت گل‌محمد رمان، یک جایی از کتاب رو به من گفت: «داداش حالا خودت رو تلف نکن، بیا یه لقمه اشکنه دور هم بخوریم، یه کم جون بگیری».
اما رسم بدی شده که یک سری موسسات نظرسنجی و تحقیقاتی هر چندوقت یک بار، آماری از روی حسودی و به قصد سیاه‌نمایی منتشر می کنند غافل از این که ما خودمان زغال هستیم و روی بلک فرایدی را هم سیاه کرده‌ایم. مثلا هر چند وقت یک بار، آماری منتشر می‌شود که ایرانی‌ها، در کل سال قدر یک آب خوردن هم کتاب نمی‌خوانند و بعضی از ایرانی‌ها آخرین بار که لای کتابی را باز کردند برمی‌گردد به خردادماه پس از آخرین امتحان مدرسه‌شان. این‌ها اگر سیاه‌نمایی نیست، پس چیست؟ تازه یک موسسه دیگر مدعی شده است ما عصبانی‌ترین مردم دنیا هم هستیم. من می‌خواهم بگویم عصبانی هفت جد و آباءتان است. این کتاب قطور من کجاست بکوبم توی فرق سر مدیران این موسسات نظرسنجی؟
اما واقعا آن چیزی که می‌بینم این است که ما ایرانی‌ها چندان نیازی به کتاب خواندن نداریم. الان شما از هر ایرانی بپرسی شازده کوچولو به روباه چی گفت؟ خودش بهش گفت، چی گفت؟ در گوش اون گفت، چی گفت؟ بهتان می‌گوید. اصلا ما ایرانی‌ها همه گفته و ناگفته‌های کنفوسیوس و گاندی را بلد هستیم طوری که گاهی خود گاندی می‌آید می‌پرسد: «داداش من درباره دروغ چی گفته بودم؟» ما برویم چی بخوانیم واقعا؟ جوجو مویز بخوانیم؟ این آدم که غوره نشده مویز شده چه چیز جدیدی می‌خواهد به ما یاد بدهد؟ اصلا داستان کوتاه‌ها و نمایش نامه‌های چخوف چیست، ما هر شب خودمان ده دوازده نماهنگ دابسمش برای هم می‌فرستیم که روی سناریوهایش ساعت‌ها فکر خوابیده است. پس لطفا دیگر درباره مطالعه ما آمار منتشر نکنید و مزاحم مطالعه تلگرامی ما نشوید، مرسی آه. **محمدعلی محمدپور**

تا حالا دقت کردین

ایده و اجرا: کاردار و مرادی

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* دم اونی که جریان عکس سفره غذا تو ستون زندگی سلام را متوجه شده بود گرم. بعد بعضی ها میگن مسابقه ها را سخت تر بگیرین! بابا همین اندازه کافیه زیاد سختش نکنین، بیشتر از این کشش نیست! **حمید.ش.س**
* داستان نیم دقیقه ای تون خیییییییییلی بدآموزی داشت!
* آق کمال؛ گویند تو مُچ گیر خوبی هستی، بیا با هم یک مُچ بیندازیم!
آق کمال: مو پیشاپیش زمین خورده همه خواننده های زندگی سلام هستم!
* لطفا داستان های ترسناک بیشتر بذارین، ممنون. **ظریف**
* درباره ارتباط همسران، اگه سکوت کنی که کم کم تبدیل می شی به انبار باروت. در مقابل ستم همسر تحمل کنی و سکوت مثل فنری که هرچی بهت فشار بیاد فشرده تر می شی. تا زمانی که دیگه تحمل فشار رو نداشته باشی و اون وقت...!
* این خانم پاوه نژاد هم فقط ژست گرفته و فرصتی یافته برای ابراز خودش.
پاسخ خفن استریپ شماره قبل: تنوری-شبگرد-فروشی